

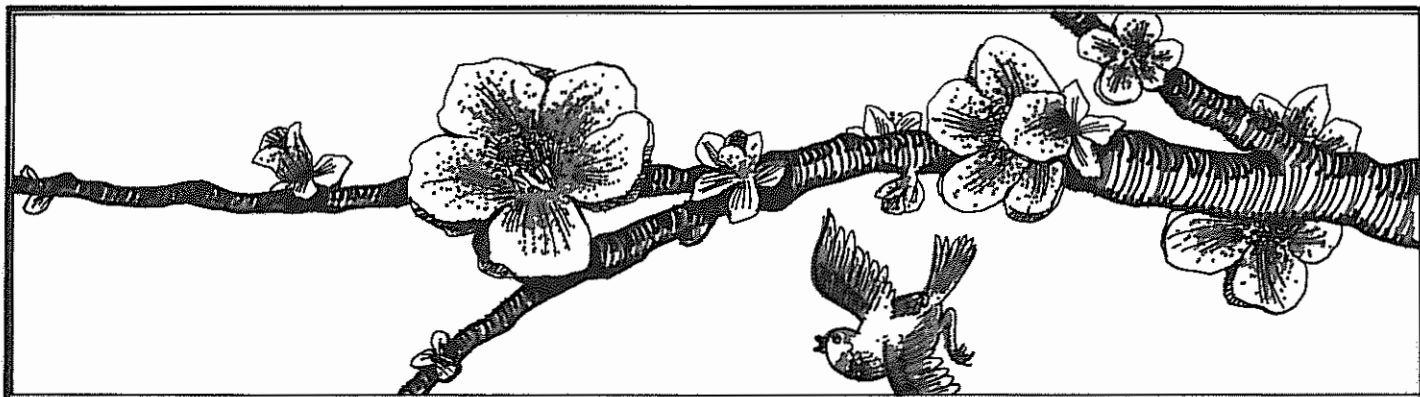
مژده دهید باغ را

آب زیندر راه را، همین که نگار می رسد
 مژده دهید باغ را بسوی بهار می رسد
 چاک شده ست آسمان، فلفله ای ست در جهان
 هنبر و مشک می دمد، سنجق یار می رسد
 رونق باغ می رسد، چشم و چراغ می رسد
 قم به کنار می رود، مه به کنار می رسد
 باغ سلام می کند، سرو قیام می کند
 سبز ه پیاده می رود، فنجبه، سوار می رسد
 "مولوی"



نشریه سازمان فدایان خلق ایران (اکثریت) در خارج از کشور

دوشنبه ۲۹ اسفند ۱۳۶۷ برابر ۲۰ مارس ۱۹۸۹
 بهار ۶۰ ریال - سال پنجم - شماره ۲۵۰



مجموعه‌یی از آداب، آئین‌ها و باورداشتهایی را پدید آورده است که به منگام نوروز و جشن بازرایی و آفرینش طبیعت به نمایش در می‌آیند. در این باورداشتهای با خانه‌تکانی، زدودن گرد و غبار از سیمای اشیاء خانه، پاکسازی محیط پیرامون و بدور افکندن اشیاء فرسوده، شرارت ارواح خبیث، تاراندن می‌شود و با کاشتن گندم و همدس و دانه‌های دیگر و سبز کردن آنها برای نوروز، آغاز دوباره رویش دانه‌ها و گیاهان در طبیعت، بقیه در صفحه ۶

بهار شکفتن را، پربار ترکند آری،
 آنمه ناز و تنعم که خزان می فرمود
 هاقبت، در قدم باد به‌سار
 آخر شد
 در این منگام - که منگام زایش و میرش است - پوسته افسرده زمستان دریده می‌شود و بهار، با جوانه‌های برومندش، فصل نوین شکفتن را از سرمی‌گیرد تا طرحی تازه در جان جهان و انسان درآیند. دگرگونی طبیعت، در گردش سال و تاثیر آن در روند زندگی اجتماعی - اقتصادی مردم،

دلنوازشان را در سبزه‌زارها به زمزمه می‌نشیند و در چپه‌های دوستی و مهربانی، رو به سوی شکفتن‌های دنباله‌دار باز می‌شود تا جان بیقرار ما را در بهار، از شکوفه‌های سرشار، آذین‌بندد و گل‌بانگر شادمانه زیستن، زیبایی

رستاخیز طبیعت - دیگر بار - فراز آمده است. دستان قارت زدن درختان، جوانه‌های جوان را در فراسوی چشمان آرزومندان به تماشا می‌گذارد. خورشید مهربان، به دل‌های امیدوار ما شادمانه لبخند می‌زند. چشمه‌سارهای زلال، آواز

بهار از خسته‌هاو

آنان عاشق‌ترین زندگان بوده‌اند

اوج گیری بحران اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و بالا گرفتن اختلافات داخلی‌شان، از آینده شومی که انتظارشان را می‌کشد به وحشت افتادند. فقهای جلاذ خوب می‌دانستند که اگر مردم بپا خیزند، بار دیگر حصار زندان را خواهند شکست و رهبران‌شان را از میان زندانیان تهران، انتخاب خواهند کرد. اینچنین بود که طرح توطئه‌ای هولناک در افکار پلیدشان افکنده شد و جلاذان، زندانیان سیاسی را گروه گروه در سلول‌ها، بندها، ... در میدانهای تیر به رگبار گلوله بستند و به دار آویختند.
 کشتار مگانی زندانیان سیاسی ایران از نیمه تابستان سال گذشته آغاز شد و در آذرماه به اوج رسید.
 آه‌ای آذر مه آزر مگین با ما بگو
 شعله‌های سرخ آذر را چه سان بگذاختند
 هنوز هم قادر به باور کشتار این تعداد عظیم فرزندان اسیر خلق نیستیم. هرکوی و برزن در بقیه در صفحه ۳

- سال پست
- سال درد
- سال هزا
- سال اشک پوری
- سال خون مرتضی
- سال کبیره ...

«احمد شاملو»

سال تکان دهنده‌ترین رویداد، سال جنایت، سال به خون کشیدن پزندگان شکسته‌بال، سال به آتش کشیدن زندانها، سال آتش گشودن بر سینه‌های سوزنده‌تر از آتش. سال درد، سال فاجعه، سال قتل عام.
 تکان دهنده‌ترین و هولناک‌ترین رویداد سال گذشته، جنایت فجیع جمهوری اسلامی در تمامی زندانهای ایران بود. حکام مرتجع رژیم ولایت فقیه پس از شکست فجیعی که در پیسبرد سیاست «جنگ تا پیروزی» خوردند، با

«اکثریت»

در پایان پنجمین سال انتشار

اینک دوپست و پنجاهمین شماره نشریه اکثریت را در دست دارید. با انتشار این شماره، «اکثریت» پنجمین سال انتشار خود را به پایان می‌برد.
 نشریه «اکثریت» در اولین شماره خود که در فروردین ماه ۱۳۶۳ انتشار یافت اهم وظایف خود را به تصویر سیمای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی میهن برای ایرانیان خارج از کشور، گزارش رنج و رزم مردم جهت درک هرچه ملموس‌تر آنچه که بر مردم میهنمان می‌گذرد، انشاء تبمکاری‌های جمهوری اسلامی به منظور گسترش و سازمانگری مبارزه علیه رژیم جنایتکار خمینی و شاهه آرمان و اخلاقیات پیشرو عصر، عنوان داشت. نشریه در طی سیر فراز و نشیب خود جنبه‌هایی از وظایف منجمله انعکاس مباحث جنبش کمونیستی را محتاج تاکید بقیه در صفحه ۲

اعتراض به اعدام زندانیان سیاسی

«اکثریت»

در پایان پنجمین سال انتشار

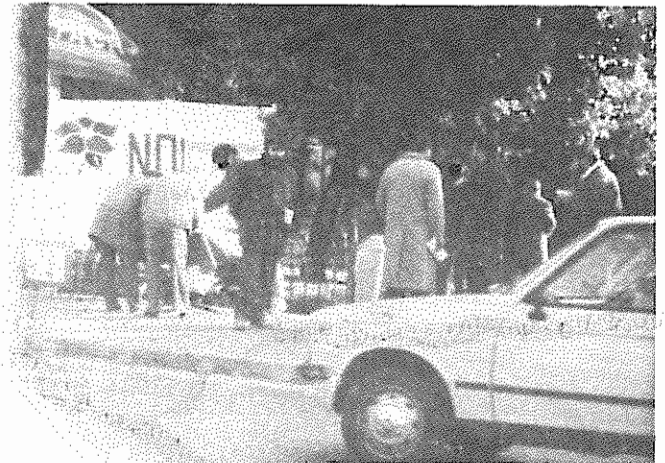
علیه هولناک‌ترین جنایت دوران اخیر تاریخ ایران، کشتار زندانیان سیاسی توسط جمهوری اسلامی است. سازمان ماتوانست با جمع‌آوری نام و نشان زندانیان سیاسی اعدام شده و اخبار مربوط به کشتار زندانیان سیاسی و انعکاس سریع آن در نشریه اکثریت در گسترش انزجار جهانی نسبت به رژیم خونخوار فقها و تبدیل نام هر شهید به یک پرچم مبارزه گام‌های موثری بردارد. عکس‌های گورهای جمعی منتشره در «اکثریت» در سرتاسر گیتی اسناد مصور و معتبر این تبهکاری هولناک و بی‌مرز حکومت فقها شدند.

ما امیدواریم که نشریه اکثریت، ارگان سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در خارج از کشور در ششمین سال انتشار خود نیز بتواند همچنان اهداف مردمی و انقلابی خویش را پی‌گیرد.

بسیه از صحنه ۱
و توجه بیشتری یافت. با نگاهی به گذشته تلاش‌های انجام یافته در این مدت را نمی‌توان کم‌بارزایی کرد. در پنجمین سال انتشار، نشریه اکثریت به‌ثابه ارگان خارج از کشور سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به کارنامه خود در دوره ص به توجه و تأکید بیشتری می‌نگرد.

هر چه نخست بازتاب تلاش فکری عظیم جنبش جهانی کمونیستی برای تبیین واقعیت‌ها، پاسخگویی به معضلات تئوریک و بازتبیین متدها و بنیان‌هاست. این امر از طریق ترجمه و انتشار مطالب متعدد، در راستای گوناگون صورت پذیرفت که به گمان ما انتشار این مقالات در ایجاد امکان برای ژرف اندیشی و همه جانبه نگری به سهم خود مفید بوده است.

هر چه دوم، فعالیت افشاگرانه



شهروندان ایتالیایی در جنوا در حال امضای یک نامه اعتراضی علیه کشتار زندانیان سیاسی در ایران. این نامه که توسط فدائیان خلق در جنوا تهیه شده است خطاب به رئیس‌جمهور ایتالیا، نخست‌وزیر و روسای دو مجلس این کشور بوده و در آن از دولت ایتالیا خواسته شده است در مقابل جنایات رژیم جمهوری اسلامی سکوت خود را بشکند. این نامه سرگشاده توسط تعداد زیادی از ایتالیایی‌ها امضا شده است. آکسیون جمع‌آوری امضا و توضیح جنایات رژیم خمینی، در خیابان‌های مختلف این شهر برگزار شده است.

کنفرانس وزرای خارجه کشورهای اسلامی

قطع رابطه «فرهنگی» و در صورت لزوم سیاسی و اقتصادی کشورهای عضو با انگلیس و کشورهای اروپای غربی شدند. اما در ریاض نیز رژیم خمینی همان را درو کرد که در سایر نقاط جهان. کنفرانس ریاض بدون آن که نامی از رشدی ببرد، از او به عنوان یک «مرتد از مذهب» نام برد.

کشورهای غربی خواستار شد از بنگاه‌های انتشاراتی خود بخواهند که مطالب توهین‌آمیز درباره اسلام انتشار ندهند. کنفرانس خط فاصل روشنی میان خود و رژیم خمینی کشید.

پیرامون جایگاه خالی افغانستان جمهوری اسلامی تلاش کرد ضدانقلابیون افغانی مقیم ایران را به کنفرانس بیاورد و موضع آنها را طرح نماید. کنفرانس هر چند گلبدین حکمت‌یار را به کنفرانس نماند ولی با حمایت از طرح حکومت وسیع در افغانستان زیر پای حکمت‌یار و جمهوری اسلامی را خالی کرد.

جانب آمریکا محکوم شد. تحولات در روابط بین‌المللی و گرایش ضروری به سوی حل اختلافات از راه مذاکره محافل اجتهامی هر چه بیشتری در سراسر جهان را در برمی‌گیرد. امروز نه تنها نمی‌توان از سیاست ماجراجویانه و نظامی‌گرایانه حمایت کرد، بلکه سکوت در قبال این گونه سیاست‌ها و گذشتن از کنار آنها نیز دیگر به‌آسانی امکان‌پذیر نیست. اتخاذ چنین سیاستی به انزوا منتهی می‌شود.

در این راستا شکست چندجانبه جمهوری اسلامی در این کنفرانس در خور توجه است. رژیم خمینی که ابتدا از تحریم این کنفرانس سخن می‌گفت، هیاتی را به ریاض فرستاد، به این امید که سوار بر اسب «آیات شیطانی» بتواند در کنفرانس تاخوت و تاز کرده، گروهی را به سوی خود بکشد. این هیات در کنفرانس بیان داشت که حکم خمینی مبنی بر قتل سلمان رشدی «حکم خدا» است و باید اجرا شود و عوامل خمینی خواستار

در کنفرانس کرسی افغانستان در اختیار گلبدین حکمت‌یار وزیر خارجه! حکومت قلابی تشکیل شده در پاکستان قرار گرفت. با این وجود تنها سه کشور از ۴۶ کشور عضو کنفرانس این «دولت موقت» را به گونه‌ای صوری به رسمیت شناختند. حتی ملک فیصل وزیر خارجه عربستان سعودی با صراحت گفت عربستان سعودی و متحدان آن در جهان اسلامی خواهان تشکیل یک حکومت وسیع در افغانستان، حتی تحت نفوذ کمونیست‌ها هستند. با توجه به سیر کنونی حوادث در افغانستان اکنون طرح دولت وسیع با شرکت تمام نیروهای سیاسی افغانستان که از جانب دولت افغانستان و اتحاد شوروی پیشنهاد گردید، پشتیبانی بیشتری می‌یابد.

ادامه سیاست تهاجم‌آمیز آمریکا به لیبی طی قطع‌نامه‌ای از جانب کنفرانس محکوم شد. دولت آمریکا باید برای حملات نظامی به لیبی قرامت مالی بپردازد. در این قطعنامه هم چنین تحریم لیبی از

در هفته گذشته کنفرانس چهار روزه وزرای خارجه کشورهای اسلامی در ریاض پایتخت عربستان سعودی برگزار شد. در این کنفرانس که در آن بیش از ۵۰ قطع‌نامه صادر شد، به مسایل خاور نزدیک پرداخته شد. در این قطع‌نامه‌ها کنفرانس حمایت خود را از تشکیل دولت مستقل فلسطینی در مناطق غربی رود اردن و نوار غزه اعلام داشت. مناطق اشغالی عربی باید تحت اختیار سازمان ملل متحد قرار گیرند تا کنترل عقب‌نشینی نیروهای اشغالگر اسرائیلی امکان‌پذیر شود. تشکیل یک کنفرانس بین‌المللی صلح میان کشورهای عربی و اسرائیل برای حل بحران خاور نزدیک مورد حمایت کنفرانس است.

کنفرانس وزرای خارجه تروزیسم و هواپیماربابی را محکوم کرد و از کشورهای عضو خواستار شد به هیچ خواست هواپیماربابان تن در ندهند و آنها را «شدیدا مجازات کنند»

آنان عاشق ترین زندگان بوده اند

خاموشانه

شهر خاموش من! آن روح بهارانت کو؟
شور و شیدائی انبوه هزارانت کو؟
می خزد در رگت هر برگت تو خوناب خزان،
نکبت صبحدم و بوی بهارانت کو؟
کوی و بازار تو میدان سپاه دشمن،
شیمه اسب و هیاهوی سوارانت کو؟
زیر سر نیزه تاتار چه حالی داری؟ -
دل پولادوش شیر شکارانت کو؟
سوت و کور است شب و میکده ها خاموشند،
نعره و عربده باده گسارانت کو؟
چهره ها در هم و دلها همه بیگانه زهم،
روز پیوند و صفای دل یارانت کو؟
آسمانت، همه جا، سقف یکی زندان است،
روشنای سحر این شب تارانت کو؟

شفیعی کدکنی



بقیه از صفحه ۱

هزای چند زندانی طهران به ماتم نشسته است، صدا و صدا و هزاران. در شرایط کنونی ارائه آثار دقیق و نام و نشان شهدا ناممکن است. آخرین لیستی که در نشریه اکثرت درج شد، نام ۶۷۸ شهید این فاجعه به عنوان بخشی از کل آن رادر بر می گرفت.

در اثر فعالیت های پیگیرانه سازمانهای سیاسی، نهادهای دمکراتیک و نیروها و شخصیت های مترقی ایرانی در خارج از کشور، انعکاس اعدام های جمعی در برخی از رسانه های جهانی و محکوم شدن خودکامگی های ولایت فقیه توسط بسیاری از مجامع و مراجع بین المللی و اعتراض جهانی نسبت به این جنایتها، رژیم به آزاد کردن معدودی از باقیمانده زندانیان سیاسی وادار شد. اما نه آزادی بسیاری از آزادشدگان را تضمینی است و نه جان باقیمانده زندانیان را تأمین. بسیاری از آزادشدگان را خطر دستگیری مجدد و باقیمانده زندانیان را خطر اعدام و کشتار، همچنان تهدید می کند و اعدام ها همچنان ادامه دارد. تقویم مبارزه نیروهای سیاسی ایرانی در سال گذشته ضحفات خونین بسیاری دارد

کشتند! هزارها کشتند! از همه سازمانهای سیاسی ایران! ایثار حماسه آفرینان زندان های مخوف جمهوری اسلامی بوده اند. دلیرانی چون هیبت الله معینی، امیر نیک آئین، محمد علی پرتوی، علیرضا تشید، پنجه شامی و... بوده اند. سازمان مانیز در سال گذشته بسیاری از اعضای ارجمند و حماسه آفرین خود را از دست داد. دلاورانی چون انوشیروان لطفی، طهران ملی، صد اسلام، حمید منتظری، احمد ثقلینی، محمد دریاباری، منصور دیانک شوری و علی رضا اسکندری، پیروز اصیا و... هر شهید یک پرچم، یک حماسه، یک سرود.

سال نور ابادردو زخمی همیق در قلب و با درود بی کران بر کشتگان این فاجعه عظیم آغاز می کنیم و یاد این رزمندگان راستین راه رهایی مردم ایران را گرامی می داریم. "من امیدم را در ریاس یافتم مهتابم را در شب هشتم رادر سال بدیافتم و هنگامی که داشتم خاکستر می شدم گر گرفتم"

سال پیروزی بزرگ مردم در تحمیل صلح به رژیم خمینی

افتد؛ چه مزارع می توانست سرسبز شود؛ می توانست چه خانه ها بنا شود، چه شهرها آبادان،... و این جنگ پلید هم آنان را کشت؛ هم کارخانه ها را از کار انداخت، هم مزارع را خشکاند؛ هم خانه ها را مخروبه کرد و هم شهرها را ویرانه.

مردم ایران شرمساری خمینی، این هفریت مجسم جنگ در ایران را جشن گرفتند. مردم با شکست این دیو شادی کردند. به این امید که دیگر جوانها را در میدان های مین پاره پاره نبینند؛ که دیگر شاهد دود شدن ثروت های ملی شان در کوره جنگ نباشند.

تحمیل پذیرش قطعنامه صلح به رژیم جنگ افروز خمینی بزرگترین پیروزی مردم ما در مبارزه علیه این رژیم تبهکار محسوب میشود. پیروزی قطع جنگ در سال گذشته بزرگترین رویداد سیاسی سال های اخیر کشورمان را رقم زد.

"... و اما در مورد قبول قطعنامه" که حقیقتا مسئله ای بسیار تلخ و ناگوار برای همه و خصوصا برای من بود. و بنا به حال من که مانده ام و جام زهر آلود قبول قطعنامه را سرکشیده ام. باز می گویم که قبول این مسئله برای من از زهر کشنده تر است..."

روز دوشنبه ۲۷ تیر ماه سال که گذشت، مردم ایران با شنیدن این اعتراف، به خشنودی جام زهر آلودی که خمینی جنگ طلب نوشید، پایان جنگ ایران و عراق را جشن گرفتند. پایان جنگی هشت ساله؛ جنگی مرگبار و پیرانگر؛ خانمانسوز و کثیف. جنگی که در آن بیش از یک میلیون انسان بر خاک افتاد. چراغ یک میلیون زندگی فرو نرسد. بیش از یک میلیون عشق به خاک سپرده شد و میلیونها انسان به عزانشستند. با این یک میلیون انسان، چه کار خانه ها می توانست به کار

تقسیم و وظایف اعضای شورای عالی قضایی

به دنبال جلسات متعدد و نامه نگاری‌های طولانی مسئولین رژیم، طرح تفکیک وظایف اعضای شورای عالی قضایی انتشار یافت. به دلیل اهمیت مسئولیت‌های تفکیک شده، کشمکش و حساسیت خاصی بین دو ابر قدرت در درون رژیم بر سر تقسیم این مسئولیت‌ها وجود داشت. خمینی طی نامه‌ای "سران سه توه"، خامنه‌ای، رفسنجانی و موسوی اردبیلی، و چهار نفر عضو شورای عالی قضایی را با محور ارائه طرح تفکیک وظایف کرده بود. به دنبال جلساتی که با حضور جمع تعیین شده و همچنین سید احمد خمینی و موسوی نخست وزیر تشکیل شد، خامنه‌ای طرح تقسیم وظایف را به شرح زیر برای خمینی جهت تصویب ارسال کرد:

- ۱- حوزه مسئولیت رئیس دیوان عالی کشور شامل امور مربوط به شعب دیوان عالی کشور (دادگاه عالی تم) به "دادسراها و دادگاه‌های انقلاب"، دادگاه انتظامی قضات، بخش مربوط به محاکم انقلاب، بازرسی کل کشور، پلیس قضایی، سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و ...
- ۲- حوزه مسئولیت دادستان کل کشور شامل امور مربوط به دادسرای دیوان عالی کشور، دادسراها و دادگاه‌های عمومی، کیفری و حقوقی یک و دو و ...
- ۳- حوزه مسئولیت مقتدایی شامل

- دادسراها و دادگاه‌های نظامی، سازمان ثبت، روزنامه رسمی.
- ۴- حوزه مسئولیت بجنوردی شامل دیوان عدالت اداری، دادگاه‌های مدنی خاص، دانشکده علوم قضایی
 - ۵- حوزه مسئولیت وزیر دادگستری شامل امور اجرایی دادگستری، پزشکی قانونی
 - ۶- حوزه مسئولیت شورا شامل تنظیم و تقسیم بودجه، تعیین حقوقدانان شورای نگهبان، ...
- خامنه‌ای در پایان نامه خود به خمینی نوشته است:
- "شایان ذکر است که جلسه به اتفاق آرا ابراز عقیده کرد که طرح تمرکز وظایف بدین معنی که یکی از افراد شورای عالی قضایی مسئولیت کلیه فعالیت‌های قضایی را بر عهده گیرد و دیگر اعضا نقش مشاور داشته باشند از طرح تقسیم وظایف میان اعضا بهتر و مفیدتر است."
- خمینی در جواب به رئیس جمهور خود نوشته است:
- "با تشکر از زحمات جناب حجت الاسلام آقای خامنه‌ای طرح مورد اتفاق آقایان (تمرکز وظایف) خلاف قانون اساسی است. با طریحی که در جلسه سران سه توه با اکثریت آرا به تصویب رسید موافقت می‌شود."

توافقیهای جمهوری اسلامی و ترکیه در مورد مبادلات مرزی

در اجلاس مشترک وزیران ذیربط ایران و ترکیه ایجاد بازارهای مرزی، برقراری پرواز هواپیماهای کوچک بین استانهای مرزی، حذف عوارض در مبادلات مرزی، حذف گذرنامه برای پیلهوران و تجار در اصول مورد توافق قرار گرفت. در این اجلاس که با حضور بعزادنبوی وزیر صنایع سنگین، سفرای دو کشور، استاندار آذربایجان غربی و استانداران آفری و حکاری انجام یافت، آذربایجان غربی بعنوان محل انجام کلیه معاملات مرزی با ترکیه تعیین شد.

ایجاد یک گورستان جدید

گورستان‌های کشور همچنان رو به گسترش است. روزنامه کیهان به تاریخ ۹ اسفند گزارش کرده است که در صورت موافقت نهایی مسئولین امر، گورستان جدیدی در جاده لشکرک ایجاد خواهد شد. کیهان در این زمینه نوشته است. فرماندار شمیرانات به منظور رفع مشکلات منطقه در محل حضور یافته و پس از ادای این مطلب که: "اگر مردم همگام با نیروهای اجرایی حرکت کنند بسیاری از مشکلات حل خواهند شد" خبر ایجاد گورستان جدید را اعلام کرده است.

قطع دست درارومیه به اتهام سرقت

اهدام جنایتکارانه هرروزه تعداد زیادی از افراد به اتهام قاچاق و دزدی مسلحانه و فحشا در شهرهای مختلف کشور نباید به ایجاد بی‌تفاوتی در برابر جنایاتی از قبیل قطع اعضا بدن بیانجامد. در روز شنبه ۱۳ اسفند در شهر ارومیه چهار انگشت یک فرد به اتهام سرقت قطع شد.

تاریخ پذیرش قطعنامه صلح مبنای

نحوه برخورد به سربازان و وظیفه

"معاونت نیروی انسانی ستاد فرماندهی کل قوا" با انتشار مصوبه‌ای اعلام داشت که بشمولات متاهل هادی تا دیپلم که قبل از بیست و هفتم تیر ماه (تاریخ پذیرش قطعنامه ۵۹۸) خود را معرفی کرده‌اند با انجام ۱۸ ماه سربازی از خدمت "ترخیص" خواهند شد.

جنگ ، هنوز قربانی می‌گیرد

یکشنبه ۱۴ اسفند ۱۳۶۷
۲۶ رجب ۱۴۰۹
۵ مارس ۱۹۹۰ شمسی

را داشت بعلت تماس مسواک ۱۰۰۰۰ منفرجه کشته شد.

یادآور میشود: پس از عقب‌نشینی نیروهای عراقی از داخل اراضی اشغالی تاکنون ۳۹ نفر در مناطق دهلران و مهران و صالح آباد بعلت برخورد با مواد منفجره کشته شده‌اند.

ایلام - دختر بچه ده ساله‌ای در منطقه دهلران بعلت انفجار مواد منفجره بجای مانده از زمان جنگ کشته شد.

به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی این دختر بچه که توران بتیری نام دارد هنگامی که قصد جمع‌آوری خار در بیابانهای اطراف دهلران

کمک‌های مالی رسیده

| | | | |
|--------|---|--------|---|
| ۱۱۰۰۰۰ | یک رفیق هوادار برای خانواده زندانیان سیاسی | ۳۲۵۰۰۰ | سوئد |
| ۱۰۰۰۰۰ | خانم تومی یاما | ۱۰۰۰ | به نشریه کار "بیار رفیق منصور پور جم" |
| ۲۰۰۰۰۰ | آقای جوگاتسوما | ۵۰۰ | تروژ |
| ۴۹۰۰۰۰ | شرکت کنندگان در جشن هجدهمین سالگرد تولد سازمان برای خانواده | ۵۰۰۰ | "بهاران خجسته باد" از اسلو |
| ۳۶۵۷۶ | زندانیان سیاسی | ۵۰۰۰ | از اسلو |
| ۱۰۰۰۰ | "خگر" برای خانواده زندانیان سیاسی | ۳۶۰ | "بیاد همومهدی" |
| ۶۰۰۰۰ | محمد ب. اختصاص یک روز حقوق | ۱۴۴۰۰ | پرواز |
| ۵۸۱۰ | ر. سیاوش | ۳۰۰۰ | ژاپن |
| ۵۰۰۰۰ | ر. سیامک | | سازمان شاگای شوکی برای خانواده زندانیان سیاسی |

Mr. BiruKahtah

افغانستان

بدون حضور نیروهای شوروی



حوالی شهر در کابل: سربازان دولتی در حال گشت

خبرنگاران خارجی اجاره شد
ظاهر آنها به کابل مجوم آوردند تا
آنجا مستقیم به محابر گزارش
سرنگونی دولت افغانستان و فتح
کابل توسط ضد انقلاب بپردازند. ام
بزودی شمارش معکوس و تبلیغات
پرسرو و صد رنگ باخت و روشن شد
که اوضاع تغییر چندان مهمی
نسبت به قبل نکرده است. اکنون
در هتل انتر کنتیننتال کابل اطاق های
بیشتری خالی می شوند.

اگر تحلیل ما و تبلیغات بسیاری از
رسانه های غربی مبنا می بودند،
باید دولت افغانستان از روز
۱۵ فوریه تاکنون چندین بار
سرنگون می شد. دولت های غربی
از جمله آمریکا، انگلیس، فرانسه،
آلمان فدرال سفارت های خود را به
بمانه هدم ثبات حکومت تعطیل
کردند. در همان روزهای اواسط
ماه فوریه همه ۳۰۰ اطاق هتل
انتر کنتیننتال کابل توسط

روزهای اخیر کارشناسان وزارت
امنیت دولتی به این نتیجه
رسیده اند که نیروهای تروریست
زیرزمینی در حد زیادی تضعیف
گشته اند.

به دلیل بسته شدن جاده ها و
احتکاره کمیابی ارزاق و مایحتاج
بشدت محسوس است. هر روز صبح
صف های طولانی در مقابل
ناوایی ها برای خرید آرد و نان
بربری تشکیل می شود. بهای آرد
تنها در طی یک هفته ۵۰ افغانی
افزایش یافت. پلیس و پلیس جنایی
با قاطعیت با بازار سیاه مقابله
می کنند. اخیرا روشن شد که
پدیده بازار سیاه تنها وسیله
سودجویی نیست، بلکه نوعی
انگیزه سیاسی نیز در بردارد. با
اهلام وضع فوق العاده در
افغانستان، برخی از مواد
قانون اساسی به کنار گذاشته شدند.
از جمله پلیس و مقامات امنیتی
اجازه دستگیری و بازرسی بدون
اجازه رسمی دادستانی دارند.
در کنار دادگاه های رسمی،
ارگان های سه نفره به همراه یک
قاضی امنیتی تشکیل شده اند که
اجازه صدور حکم دارند.
با وجود کمبود و خامت بار
مایحتاج، اقتصاد عمومی کشور
رو به ثبات است. بهای دلار کمی
افزایش یافته است چرا که ورود
دلار از پاکستان متوقف شده است.
البته فروشندگان ارز این امر را
موقتی می دانند.
اخیرا حقوق نیروهای "اتحاد
برای آزادی افغانستان" و

نیروی مسلح صدهزار نفره
متشکل از ارتش، واحدهای وزارت
امنیت دولتی، گارد ملی و
واحدهای مدافع انقلاب از پایتخت
دفاع می کنند. محافل زیادی بر این
نظر هستند که با توجه به پایگاه
نسبتا وسیع دولت افغانستان
در میان مردم، هیچ نیروی
اکترناتیوی در حال حاضر وجود
ندارد که بتواند جایگزین حکومت
کنونی شود.

عبدالوکیل وزیر خارجه
افغانستان اطمینان دارد که
دیپلمات های خارجی که به دلایل
امنیتی کابل را ترک کرده اند، در
روزهای آتی به شهر باز خواهند
گشت. دیپلمات های اتحاد شوروی
که تعداد آنها به ۲۰۰ نفر بالغ
می شود، در کابل مانده اند. تنها
مشاوران شافل در
وزارت خانه های مختلف و
خانواده های آنان از کشور خارج
شدند.

به نظر می رسد که ضد انقلاب
اکنون به سیاست تروریستی و
فعالیت خرابکارانه روی آورده
است. روزنامه ها مرتبا از
دستگیری تروریست ها، کشف
انبارهای اسلحه و نشریات
گروه های ضد انقلابی خبر می دهند.
نیروهای امنیتی افغانستان تنها در
سه هفته فعالیت علیه بنیادگرایان
اسلامی بیش از ۶۰۰ نفر را دستگیر
و ۹ انبار مهمات کشف کردند. در

"جمعیت اسلامی افغانستان"
دو برابر افزایش یافت. هر یک از
حوامل این دو جریان که
گروه هایی در نزدیکی کابل مستقر
کنند، بین ۶۰۰۰ تا ۹۰۰۰ افغانی
در یافت می کنند. کمیته مرموزی
به نام "کمیته بهداشت افغانستان -
آلمان"!! به هریک از حوامل
اپوزیسیون ۱۵۰ هزار افغانی در
سال می پردازد. مبالغ هنگفتی
برای کسانی تعیین شده اند که از
صفوف نیروهای دولتی به
اپوزیسیون بپیوندند. از سوی
دیگر عبدالوکیل وزیر خارجه
خبرهای فرستاده های غربی
پیرامون پیوستن گروه های بزرگ
از واحدهای دولتی به اردوی
"مجاهدین افغانی" را تکذیب
کرد.

از سوی دیگر گزارش های مختلف
حاکمی از آن است که ضد انقلابیون
در حملات خود به جلال آباد دچار
شکست های سختی شدند.
سختگویی وزارت خارجه محمد بنی
همان اعلام داشت تمام حملات به
شهر جلال آباد دفع گشتند. او اعلام
کرد که چهار مشاور آمریکایی که
حمله کنندگان را
می داده اند، در جریان حملات
کشته شدند. در میان ۶۰۰
"مجاهد افغانی" که در طی
روزهای اخیر کشته شده اند، یک
تسه عربستان سعودی نیز به چشم
می خورد.

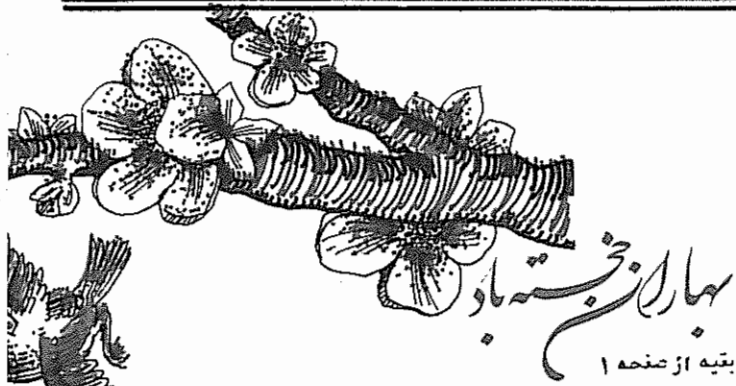
در طی روزهای اخیر یولی
ورونتسف معاون وزیر خارجه
اتحاد شوروی و سفیر این کشور در
افغانستان از روندهای تازه ای در
تحولات افغانستان سخن گفت. بنا
به اظهارات او پس از شکست های
سنگین نظامی مجاهدین افغانی
برای تصرف کابل و جلال آباد و
ناامیدی حامیان آنان، اکنون
پاکستان دست به اقدام جدیدی
زده و سربازان خود را مستقیما
به جنگ وارد ساخته است.

ورونتسف گفت با وجودی که
اتحاد شوروی تلاش های فراوانی
جهت رسیدن به یک نظر مشترک با
پاکستان به عمل آورده است،
محافل راست گرای افراطی
حکومت پاکستان بعد جدیدی را
گشوده و خود مستقیما وارد جنگ با
افغانستان شده اند. این دیگر جنگ
داخلی، در افغانستان نیست، بلکه
جنگ پاکستان با افغانستان است.
در پی ورود بحران افغانستان
به دور تازه، اتحاد شوروی اعلام
داشت که حمایت نظامی خود را از
افغانستان گسترش خواهد داد. در
روزهای اخیر هواپیماهای باری
اتحاد شوروی تعداد بسیاری
موشک های مدرن در کابل تخلیه
کردند. اتحاد شوروی و افغانستان
همچنان بر سیاست آشتی ملی و حل
اختلافات در پای میز مذاکره و
تشکیل یک حکومت ملی تاکید
می ورزند.

این صدای شکفتن را...

این صدای شکفتن را از بهار تنم بشنو:
هر جوانه، به آوازی، گویدت که «منم». بشنو.
هر جوانه، به آئینی، شد شکوفه پروینی؛
مست جلوه اگر گفتم «شاخ نسترنم»، بشنو
بیش ازین چه درنگ آرم؟- چنگ زهره به چنگ آرم،
بررگش، به هزار آئین، زخمه گر بزنم، بشنو.
هر رگم، رگ ساز اینک، با فرود و فراز اینک:
رای خود زدنم بنگر، بانگ تن تنم بشنو.
اوج شادی و سرشاری، این منم؟- نه منم! آری،
غلغلی به سبو از نو درمی کهنم بشنو.
گلشنی، همه هشیاری، رسته در نگهم، بنگر؛
عالمی، همه بیداری، خفته در سخنم، بشنو.
از تو جان و تنم پر شد، چون صدف که پر از در شد؛
آنچه گفتمی و می گوئی، جمله از دهنم بشنو-
نه! که لولی مستت، من! جام طرفه دستت، من؛
وای حیف حریفان را بارها شنم بشنو.
این صدای شکستن را، اوفتادن و رستن را
- ای دلت همه خارا می! از بلور تنم بشنو.

سیمین بهمانی بهمن ماه ۶۱



بقیه از صفحه ۱

تقدیس می شود. و این زایش دوباره حیات طبیعت در گذار از سالی خموده و کهنه، به سالی بالنده و نو در جشنی شورانگیز، جلوه می یابد: جشن باستانی نوروز. درازای جشنهای نوروزی دوازده روز است این دوره، دوازده روزه، زمان گذار از «ایستادگی و نمفتگی به پویایی و پدیداری ست». این دوازده روز، نمادی از دوازده ماه سال و یادآور افسانه دوازده هزار سال مهر جهان است. و نوروز، روزی است که «اورمزد»، انسان را آفرید یعنی آنکه در درازای سال، هر روز یکی از پدیده های رازواره طبیعت: زمین، آسمان، آبها و گیاهان آفریده شد و سرانجام در سیصد و شصت و پنجمین روز سال، انسان - این آفریده شگفت - هستی یافت. چه این روایت و چه داستان آفاق تاجگذاری جمشید پیشدادی و

یا کارایی نخستین شراره های «آتش رام شده»، برای انسان، آغاز بهار و نوروز خوانده شود، یک حقیقت به دیر سالی حیات - هر سال نمودی آشکار دارد و آن: تازش بهار بر سرمای جوانه سوز زمستان و لحظه های زرد خزان است. باری، اینک بهار، با توفان رنگها در واپسین روزهای زمستان از راه در رسید دیوار یاسیم خار دار نمی داند از پای و پیوی به باز نمی ماند و به ما می گوید: «با همه، داغ که از گردش دوران» دارید، در سال تازه با امیدهای تازه با یاد یاران از دست رفته - این بهار آفرینان - در پای دریاچه های بهاری به تماشای گلخنده های باغ بنشینید و از روشنای عشق، چراغ افروزد تا تاریکی جدایی های ناخواسته از میان بر خیزد و جان آرزومندان در یگانگی و لبخند با سرود و سبزه در آمیزد.

طرحی از بهار

جمله گلها صلحجو و خار بدخو، جنگجو
خیز، ای وامیق، تو باری، عهد عذرا تازه کن
رعد گوید: «ابر آمد، مشکها بر خاک ریخت.»
ای گلستان رویشو و دست و پا را تازه کن
نرگس آمد سوی بلبل، خفته چشمک می زند
«بندر آ اندر نوا، عشق و هوا را تازه کن.»
بلبل آن بشنید ازو و با گل صد برگ گفت:
«گر سماعت میل شد، این بینوا را تازه کن.»
و آن سه برگ و آن سمن وان یاسمین گویند: «نی،
در خموشی کیمیا بین، کیمیا را تازه کن.»

مولوی

نوبهارا، جان مایی، جانها را تازه کن
باغها را بشکفان و کشته را تازه کن
گل جمال افروخته ست و مرغ قول آموخته ست
بی صبا جنبش ندارد، هین، صبا را تازه کن
سرو سوسن را همی گوید: «زبان را برگشا.»
سنبله با لاله می گوید: «وفا را تازه کن»
شد چناران دوزنان و شد صنوبر کف زنان
فاخته نمره زنان: «کو کوا» عطا را تازه کن
از گل سوری قیام و از بنفشه بین رکوع
برگ رز اندر سجود آمد، صلا را تازه کن

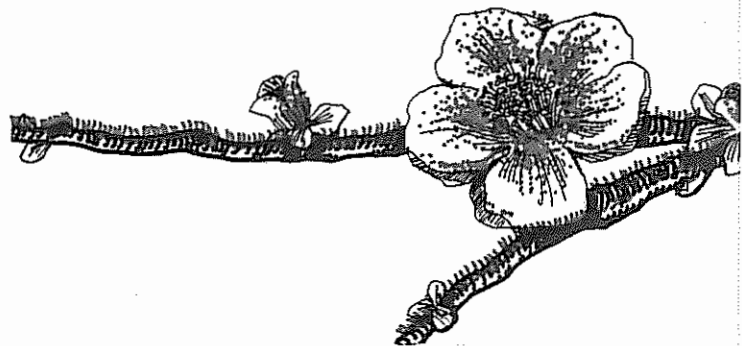
گفتیم پس چرا، جورابی در اینجا نمی بینیم، گفت شما چشم بصیرت ندارید!

”نظری به اقلام پوشاکی پشت ویتترین یکی از مغازه های کوچه برلن می اندازیم... شلوار برای بچه ۲ تا ۵ ساله ۲۳۰ تومان، بلوز پشمی ۲۲۰ تومان و...“
و اینجا تازه مغازه های ارزان قیمت تهران هستند. از مردم کم درآمد در اینجا خبری نیست. تنها آنها که درآمدهای متوسطی دارند قادر به خرید از این مغازه ها هستند و آنها که درآمد کمتر از متوسط دارند؟ کم درآمدها و بی درآمدها؟ هیدرا که جشن می گیرند، اما راستی آیا رخت و لباس نو هم می توانند بخرند؟ آجیل و شیرینی و میوه؟ بچه های آنها اگر بخواهند روبرایستی با همشاکردی ها را

باب سلیقه اش نبود، بالاخره تراخور بودجه اندکش کفشی و لباسی می خرید و یک جوری چشمه اشک بچه های لجوج را هم می آورد. اما حالا تعاونی ها و فروشگاه های دولتی هم که در عرضه اجناس گران دست کمی از سایرین ندارند.“

...”آقا ماین او اضر اشکنه مان را هم بدون سبب زمینی خوردیم، اما با پس اندازمان حتی یکی از بچه هایمان را هم نتوانستیم نونوار کنیم. هنوز که اسمی از هیدی و پاداش و از اینجور پولها به میان نیامده قیمت ها سرسام آور شده، وای به روزی که کاسب ها بفهمند چندرفاز هیدی گرفته ایم.“

این بار به مشاهدات یک خبرنگار توجه کنیم:



خرید شب عید مردم در تهران

هر سال وقتی فصل بهار نزدیک می شود، معلم انشاء موضوع تکراری هر ساله را به بچه ها می دهد و بچه ها با خطهای خوش و ناخوش و با جملات موزون و ناموزون، هر یک به گونه ای اما جملگی با این جمله آغاز میکنند که: ”نوروز نخستین روز بهار است. در بهار طبیعت جامه نو می پوشد و...“

بچه ها به این جای انشاء که می رسند به یاد رخت و لباس هیدی می افتند. از دیدگاه برخی از این بچه ها، پدر و مادرها موجودات عجیبی هستند، اول باید گریه بچه ها را در بیاورند تا با آنها به خرید عید بروند و آن وقت هم که رفتند تازه مکانات اصلی شروع می شود. هر چه را که بچه ها خوششان می آید پول آنها کفاف نمی دهد. تازه وقتی هم که خود پدر و مادر می پسندند، نوبت چانه زدنهای خسته کننده و نوبت خوردن اصراب بچه ها در کشمکش و تهر و آشتی ای که بین آنها و فروشنده بر سر قیمت لباس هیدر می گیرد می رسد.

در نوروز مردم به میهمانی یکدیگر می روند، شیرینی و میوه و آجیل می خورند و... انشاء به اینجا که می رسد بچه ها به یاد دعوای خسته کننده پدر و مادر می افتند.

— آخه هیچ نمی گی هید باید توی خونه مون شیرینی و میوه و آجیل باشه. من نمی گم یه جعبه خوب اقلا یک کیلو میوه، نیم کیلو شیرینی، ۲۰۰ گرم آجیل...

— مگه نمی فهمی، من می گم تزه توهی می گی بدوش از کجا بیارم که بخرم، و الله ندارم، بالله ندارم.

خرید شب عید مردم در جمهوری اسلامی با این گرانی



کنار بگذارند در انشاهشان چه می توانند بنویسند؟

”نوروز نخستین روز بهار است، در بهار، طبیعت جامه نو می پوشد اما برای ما این کار خیلی مشکل است. در نوروز بعضی از مردم به میهمانی یکدیگر می روند و شیرینی و میوه و آجیل می خورند. اما قیمت های سرسام آور به ما اجازه این کار را نمی دهد.“

”در شروع راه چشمان افتاد به ویتترین یک فروشگاه وابسته به جوراب آسیا (استار لایت) قیمت ها اکثرا بالا بود و از کارخانه های دیگر، جوراب بچگانه ۵۴ تومانی هم در آنجا فروخته می شد... از فروشنده پرسیدیم، آقا چرا کارخانه آسیا جوراب بچگانه ارزان قیمت تولید نمی کند.“

گفت: من نمی دانم. گفتیم بالاخره این کارخانه دولتی جوراب تولید می کند یا خیر؟ گفت بله تولید می کند.

شمرشکی که در بازارها و مغازه ها بیداد می کند حکایت خاص خودش را دارد. امروزه روز نه تنها برای مردم کم درآمد بلکه برای آنهایی هم که درآمد متوسطی دارند گرانی خرید شب عید سرسام آور است.

پاهم به بخشی از یک گزارشی که در کیهان روز ۱۴ اسفند ۶۷ چاپ شده توجه می کنیم.

”... پدر تا پیش از این راه تعاونی ها را می شناخت، و اگر چه

مسئولیت بیشتر در قبال سیر نوسازی

سخنرانی آ. یاکولف

کلاسیک‌های ما هنگام تعریف نظام اجتماعی نوین بیش از همه از ماغایم "عقلایی بودن"، "بهرروزی"، "شخصیت"، و "سعادت" استفاده می‌کردند. آنها سوسیالیستی بودن را در وهله اول در رهایی مناسبات اجتماعی از هر آن چیزی می‌دانستند که خلاف قاموس طبیعت بوده و برای انسان و جامعه زیان آور است و با نظرات متعارف انسانی در باره خیر و شر و در باره اخلاق و عدالت ناسازگار است.

نه تنها انسان، بلکه جامعه هم کودکی، جوانی، و دانشکده‌های خود را دارد. سوسیالیسم به مثابه پدیده‌ای جهانی تازه دارد. دوران جوانی خود وداع می‌کند و پایه بلوغ می‌گذارد. دانشکده‌های ما دانشکده‌هایی سخت و بی‌رحم بودند. اما امروز ما آن قدر خردمند هستیم که خطاهای اجتناب‌ناپذیر جوانی‌مان را ببینیم و هم ناپختگی و کله‌شقی این دوره و هم تمایل به پاسخ‌های ساده و نظرات یک‌سویه را به درستی ارزیابی کنیم. این را هم می‌بینیم و می‌فهمیم که جامعه ما همین‌طور سوسیالیسم جهانی نیز، در حال حاضر از بحران رشد خودبیزه‌ای گذر می‌کند.

سوسیالیسم با استواری به‌پا ایستاد و بنیه اولیه خود را تحکیم کرد. سوسیالیسم در پویه خود تا به آنجا به پیش‌رفت که نیروهای مولده آن مناسبات جدیدی را در جامعه طلب نمودند. اما درک این نیاز با تاخیر همراه بود و پاسخگویی همگی به آن با تاخیری باز هم بیشتر. حاصل این هم چیزی نبود جز ترمز رشد و تکامل اجتماعی - اقتصادی. و این نیز همان بحران رشد است که شکل رکود پیدا کرده است.

سوسیالیسم اعلام خشک و خالی ایده‌آل‌ها و اصول نیست. آخر بسیاری از ایده‌آل‌های ما را بشریت از هزاران سال پیش فرمولبندی کرده است. سوسیالیسم یک شمای زیبایی اجتماعی نیست. تاریخ، اتوبی‌های بی‌شماری به‌یاد دارد.

نوسازی تنها روی آوردن به فرمول‌ها و تصمیمات جدید نیست، بلکه با این نیز همراه است که این فرمول‌ها و تصمیمات برای انسان زحمتکش، برای خلق، برای کشور و برای سوسیالیسم چه چیزی به ارمغان خواهند آورد. لذا این فرمول‌ها نه تنها به لحاظ افزایش ثروت لحظه‌ای، بلکه به لحاظ حراست از طبیعت و تکامل مناسبات اجتماعی و بنابراین به لحاظ تکامل خود انسان نیز معنی خواهند داشت. چراکه فکرش را هم نمی‌توان کرد که گویا می‌توان بر زمینه نابخردی در زندگی اقتصادی، بر زمینه پدیده‌های منفی اجتماعی و طبیعت رویه‌ویرانی، شخصیت از هر لحاظ رشد یافته انسان را پرورش داد.

باری، نوسازی عبارت است از ضرورت تجدید سازمان همیق، پیش از هر چیز در مناسبات

پلورالیسم عقاید، همه و همه به قوت در زندگی ما رسوخ کرده و آن را به فلیان آورده‌اند. گاهی آرام و قرار را از بعضی‌ها می‌گیرند، شوق و احساسات تند بر می‌انگیزند، اما در همین حال تضادهای واقعی جدیدی نیز می‌آفرینند.

ما از شکل‌گیری مناسبات جدید اقتصادی صحبت می‌کنیم اما این مناسبات در بافت روال کهنه و همچنان متداول و در محافظه‌کاری جان سخت گرفتار می‌آیند. ریخت و پاش آفت جان ماست. شاید اگر ندرت‌تر بودیم، با حساب و کتاب‌تر بار می‌آمدیم، نداری ما از ثروت ماست، همین ثروت است که ما را فاسد کرده است، ثروتی که تنبلی و بی‌مسئولیتی می‌زاید. درست به همین خاطر است که مناسبات ما با طبیعت باید مناسباتی عقلایی و مبتنی بر خودگردانی اقتصادی باشد و الا به سختی ما را مجازات خواهد کرد.

ما از اصلاحات سیاسی صحبت می‌کنیم، اما چقدر به سختی از حاکمیت پیشینی که به آن عادت کرده‌ایم، فاصله می‌گیریم. ما هنوز به هیچ‌وجه نمی‌توانیم تجسم کنیم که مردم‌سالاری راستین به مراتب مستحکم‌تر و پایدارتر، و البته که پر مسئولیت‌تر خواهد بود. هنوز هم دموکراسی و هلنیت و تنوع عقاید ما را می‌ترساند و گویا آرزو می‌کنیم که هر کدام همیشه با خودمان بسازیم و همیشه در قالب‌هایی باب طبع فکر کنیم. اما مگر کسی که نظر خاص خود را ندارد و آزادی ذاتی اندیشه را احساس نمی‌کند می‌تواند انسان خوانده شود. عوارض دموکراسی ما را می‌ترساند، عوارضی که گاهی واقعی هم هستند، اما مگر بهار زمستان را نمی‌روید و مگر، از طرف دیگر، تنها ما و شما به حقیقت ابدی آگاه هستیم؟ سال دشواری در پیش داریم و باید که درفش حزب را با شایستگی از آزمون‌های جدید و از تحولات اجتماعی آتی بگذرانیم.

ما از رستاخیز معنوی و تزکیه اخلاقی صحبت می‌کنیم اما هنوز به جوش‌ها و فلیاناتی که در میان جوانان و روشنفکران و در طبقه کارگر و دهقانان جریان دارد بسیار بدگمان هستیم. هنوز برخی از ما نمی‌دانیم که سوسیالیسم جامعه آزادی آفرینندگی است، جامعه شکوفایی علم و فرهنگ، جامعه هرج و مرج انسان، سوسیالیسم انسان و جامعه به لحاظ معنوی بیمار را با اخلاق و فرهنگ درمان می‌کند.

زمانی با فرور می‌گفتیم که: از انسان با سلاح نباید ترسید. رفقا امروز هم بیایید از انسان با منفز و صاحب قلم ترسیم، تضادهای زائیده نوسازی، طبیعی و هادی هستند. برای دوره گذاری که ما از سر می‌گذرانیم این تضادها گریز ناپذیرند. به خصوص که گذشته هم هنوز بر سر ما سنگینی می‌کند.

ظاهراً همه آن چیزهایی را که برای زندگی پر کیفیت لازم است، آن هم بیشتر از بسیاری از دیگر کشورها، داریم. پس دیگر چه چیزی است که نمی‌گذارد شرایط زندگی انسان شوروی را در سطحی شایسته، چه به لحاظ مادی و چه به لحاظ معنوی تامین کنیم؟

نوسازی از همین سوال شروع شد. کنفرانس شما هم روی همین سوال‌ها می‌چرخد. اما جواب این سوالات را همان‌گونه که کنفرانس شما هم تایید می‌کند، باید در خودمان جستجو کنیم. در هاداتمان، در محافظه‌کاری‌مان، در پرگوئی و بی‌مسئولیتی‌مان. در این جستجو کنیم که زندگی خودمان را چگونه سازمان می‌دهیم، مناسبات جامعه را چگونه بنا می‌کنیم، و جهان پیرامون را چگونه در می‌یابیم. انقلابی بودن نوسازی هم پیش از هر چیز درست در همان است که حزب ما به گونه‌ای ژرف و جدی دست به کار تجدید سازمان تمامی شئون حیات خود شده است و این سازماندهی را تابع هدف روشن

نمایشی خویش می‌سازد و آن هدف هم چنین است: انسان شوروی باید بهتر کار و زندگی کند. آری، بسیاری چیزها بستگی به خودمان دارد. اما ما خودمان اسیر شرایط اجتماعی هستیم. و اگر عوض کردن بسیاری از رهبران نتیجه دلخواه را به بار نمی‌آورد و از آن بدتر، اگر آدم‌های صدیقی برگمارده می‌شوند و بعد استحاله پیدا می‌کنند، پس حتماً یک جای کار در خود ساختار زندگی اجتماعی است که می‌لنگد. اما کجای کار؟ آخر بدون تشخیص بیماری که نمی‌توان روی معالجه موفقیت‌آمیز آن حساب کرد. امروز دیگر روشن است که رشد و تکامل جامعه سوسیالیستی امری یک بعدی و قالبی نیست. رشد و تکامل جامعه سوسیالیستی دارای شقوق مختلف بوده و چرخشها، اشکال، و اجزای بسیار پرشماری را در چارچوب یک فرمولسیون واحد بازتاب می‌دهد. می‌دانیم که این تنوع در گذشته قابل مجازات بود و گاهی هم مجازاتی که پی‌آمدهای سختی در بر داشت. در مرز سال‌های ۲۰ و ۳۰ در جریان رشد و تکامل جامعه شوروی ناهنجاری‌هایی پدید آمد که همین امروز هم پیشرفت ما را مانع می‌شوند و فکر و عمل ما را به بند می‌کشند.

دولتی کردن زمین و زمان، تمرکز بیش از اندازه قدرت و منابع در مرکز به ضرر مناطق پیرامونی، شکل‌گیری سبک و سیستم اداری - فرماندهی، و بر چنین زمینه‌ای هم فرمالیزه کردن و بوروکراتیزه کردن همه شئون زندگی و تعوی کردن آن از ابتکار و قریحه به فراموشی سپردن اصول حاکمیت خلق و خودگردانی مردم. تازه به سود استفاده‌ها و سرکوب‌های جنایتکارانه هم نمی‌پردازم.

امروزه اغلب این سوال بسیار مهم تئوریک و سیاسی مطرح می‌شود: آیا آنچه که از دل نوسازی در می‌آید سوسیالیستی است؟ سعی می‌کنیم این مساله را برای خود روشن سازیم، چرا که این امر برای درک جوهر حرکت ما و برای وحدت ما بسیار اهمیت دارد.

دموکراتیزاسیون، هلنیت، تعاونی، اجاره، خودگردانی اقتصادی، مناسبات کلاسیک، بازار سوسیالیستی، خودگردانی، مردم سالاری،

اقتصادی جامعه.

اما آنچه که در این زمینه باید تصحیح شود و دوباره ساخته شود کدام است؟

اگر تمامی ناهمخوانی‌های زندگی‌مان را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم خواهیم دید که پایه این همه را بی‌تردید لااقل دو نارسایی جدی تشکیل می‌دهد.

اول، این یا آن مکانیسم‌های محصور کردن ابتکار، استقلال و قریحه انسان، کلکتیو، جمهوری و ایالت.

دیگری، برخورد باری به هر جهت و غیر مسئولانه در تصمیم‌گیری و اجرا. نتیجه هم معلوم است: گام زدن به خلاقیت فردی، محدودماندن انتخاب آزادانه درونی در چارچوبی مصنوعی، بیگانگی، و بالاخره به فلاکت مادی و معنوی کشیده شدن انسان و روی هم رفته، زندگی.

رفرم اقتصادی جریان دارد اما در جامی زند، محرکه‌های آن ناتوان شده‌اند، وضعیت بازار کالاهای مصرفی و خدمات، و همچنین وضعیت امور مالی هنوز روبه‌بهبود نگذاشته است. مخالفین خارجی و داخلی ما از هر امکانی استفاده می‌کنند تا به زخم‌های ما نمک بپاشند، مشکلات موجود را تشدید نمایند، و ایمان ما را به نوسازی، یعنی به صحت انتخاب سوسیالیستی‌مان تخریب کنند.

البته برای هر کس که واقع‌بینانه فکر می‌کند روشن است که جامعه هنوز هم تاوان گذشته را بازپس می‌دهد و این هم از هر چیزی در دناک‌تر است.

مثلا همین مساله مسکن را در نظر بگیریم. روشن است که کلبه‌ها و دخمه‌ها ظرف یکی دو سال کاخ نخواهند شد. اما بعید است که این حرف‌ها کسی را که آچار تمان ندارد تسکین دهد.

خواروبار چگونه؟ اصول مصوب مدیریت اقتصادی مربوط به زمین مساله خواروبار را حل نکرد و بدین ترتیب منسوخ گردید. پس باید مناسبات اقتصادی روستا را تغییر داد و اصلاحاتی اساسی در سیاست سرمایه‌گذاری وارد کرد. اگر زمین صاحب نداشته باشد، نه نان خواهیم داشت، نه گوشت و نه شیر.

بینیم وضع کالا چگونه است. تازمانی که میزان پول از میزان کالا، آن هم به اندازه زیاد، بیشتر باشد، تنفس فروشگاه‌ها خالی خواهد بود. پس باید تولید کالا و حجم خدمات را با تمام نیرو افزایش داد و الا میزان پول اضافی باز هم بالاتر خواهد رفت و به همراه آن تب و تاب مردم هم بیشتر خواهد شد.

رقفا زمان ما را زیر منگنه گذاشته است. تحمل چیزی نیست که حد و اندازه نداشته باشد. ما شاید تنها نزدیک به ۲ تا ۳ سال فرصت داریم که هم به خودمان و هم به دیگران ثابت کنیم که سوسیالیسم در درک نئینی آن اتوپی نیست، ایده‌های مردم‌سالاری راستین، ایده‌های واقعی هستند، منافع فردی و اجتماعی نه تنها باهم سازگار هستند، بلکه متقابلاً یکدیگر را تکمیل می‌کنند.

اما چرا ابتکارات زاینده زندگی که شاید از بدیهی هم بدیهی‌تر باشند این قدر با مشکلات باورنکردنی روبرو هستند و به سختی راه خود را

هموار می‌کنند؟ چه چیزی مانع می‌گردد که حقوق و اصول جدید و اولویت‌های از بنیاد دگرگون شده، به امر مشخص تبدیل شوند؟ مثل اینکه همه چیز به انسان‌ها و دقیق‌تر به کادرها برمی‌گردد. کادریایی که برخلاف ماشین، نمی‌شود مغزشان را برداشت و برنامه جایش گذاشت.

باید با چشم باز به زندگی نگاه کرد. ظرف نیم قرن اخیر ما مصرانه "اقتصاد برای اقتصاد" را ساخته‌ایم، اقتصادی که به طبیعت و به خرد زور می‌گوید و مردم را ورشکست می‌سازد. ما سالیانه ۱۵ میلیارد تن مواد معدنی استخراج می‌کنیم. مدت‌هاست که به لحاظ استخراج سوخت (به استثنای زغال سنگ)، تولید فولاد، سیمان و تراکتور از ایالات متحده آمریکا پیشی گرفته‌ایم. به لحاظ تولید سرانه نیروی برق از ژاپن جلوتر هستیم. اما به کجا رسیده‌ایم؟ میانگین حقوق ماهیانه کمی بیش از ۲۵۰ روپل است و تازه تنهائی از آن هم تثبیت شده است.

چرا ما بیش از مجموع ایالات متحده آمریکا و ژاپن فولاد تولید می‌کنیم؟ رقم کار و مواد خام را می‌کشیم و در نتیجه ذخایر و ارزش‌های کالایی-مادی که دولت در اختیار دارد به ۱/۵ تریلیون روپل سر می‌زند، یعنی ۲/۵ برابر بیش از دارایی شخصی تمام اهالی کشور. اما این به چه درد می‌خورد؟ نکند ارقام نجومی کمیته دولتی آمار که در صفحات روزنامه‌ها چاپ می‌شود تاثیرش از قفسه‌های خالی مغازه‌ها بیشتر است؟

قیمت‌گذاری رشته‌ای قیمت کالاهای مصرفی را بالا می‌برد. تفکیک قیمت‌ها، نقض اجتماعی تمامی رشته‌های صنایع سنگین است و مطابق برخی محاسبات منجر به آن می‌شود که صندوق مصرف‌ها در عمل به همان میزان باشد که صندوق انباشت ما.

در مختصات اقتصاد پریخت و پاش و بدون بازار، افزایش آهنگ رشد صومعی اقتصاد در ماهیت امر همان تعویض یک سنگ "سبزیف" با یک سنگ سنگین‌تر دیگر است. تکامل بخشیدن به کار "سبزیف" نه گشودن راه نوسازی، که به بن بست کشاندن آن است.

از همه چیز که بگذریم، ما اجباراً چاره‌ای نداریم جز آن که به اوضاعی مجمل‌تر بدهیم. مثلاً روشن است که به‌طور هم‌زمان نمی‌شود این دو کار را به انجام رساند که هم اقتصاد را به شیوه‌ای جدید بازسازی کرد و هم برنامه پنجساله را که اساسش بر شیوه پیشین استوار است، به انجام رساند. اما چاره دیگری نداریم. در حال حاضر برنامه پنجساله سنتاً پریخت و پاش مطلوب‌ترین سنگر مکانیسم ترمز است. زیرک‌ترین مخالفین نوسازی هم امیدوارند که در پشت همین سنگر پناه بگیرند.

اما کلید فرمولبندی مستدل چشم‌انداز لااقل نزدیک و تقریباً عاجل در چیست و آیا اصلاً چنین کلیدی وجود دارد؟ ما به چنین کلیدی نیاز داریم. جامعه ما بیش از این نمی‌تواند روی سر بایستد.

با همه قید و شرطها، اما می‌توان اعلام کرد که بدون بازار سوسیالیستی و یا با دورزدن آن، نمی‌توان جریان خون را در شریان‌های اقتصاد اتحادشوروی تامین نمود. همان‌گونه که

نمی‌توان تمامی تنوع تقاضاها و سلیقه‌ها و همه گرایش‌های انکشاف علمی، فنی و زیبایی‌شناسی را در برنامه منظور کرد، همان‌گونه هم نمی‌توان تقاضای مصرف را پیشاپیش برآورد کرد و یا تلاش نمود که آن را با سیستم کوپنی توزیع کالا و خدمات به بند کشید، حتی اگر این کوپن‌ها در کشور ما شکل پول داشته باشند.

بدین ترتیب فراخوان لنین در مورد "آموزش تجارت" جان تازه می‌گیرد. صحبت بر سر فراگیری چرخاندن امور اقتصادی است و آن هم در معنای محدود و همچنین وسیع کلمه. کثرت نیازهایی که در بازار سوسیالیستی برآورده می‌شوند موجب اعتبار نظام می‌شود و شالوده جامعه ما را از استحکام ضرور بر خوردار می‌سازد.

نتیجه آن که تلاطمات کنونی بازار، فقط دردی نیست که اعصاب مردم و سلامت مدیران صدیق موسسات را هر روزه می‌فرساید، بلکه زنگ خطر است.

بازرگانی دولتی ما در شکل امروزی آن مجموعه معایب کارپردازی دولتی-فئودالی را یکجا در خود گردآورده است. حساب‌سازی، سندسازی، اختلاس، کلاهبرداری، صحبت‌نه بر سر هزاران کارکنان صدیق هر صه بازرگانی، بلکه بر سر آن سیستم فرسوده و فاسدی است که مطابق قوانین اقتصادی منحصر به خویش عمل می‌کند. محصولات ما نه بر اساس هلاک شخصی زحمتکشان در پشت میز فروش، بلکه بر اساس برنامه به کالا تبدیل می‌شوند، برنامه‌ای که مدت‌هاست گوشت و استخوان سیستم دستوری را تشکیل می‌دهد. برنامه به هر قیمت اجرا می‌شود اما پیش از همه به حساب مصرف‌کننده، نامصار مطلق دولت، مصرف‌کننده را مطلقاً بی‌دفاع می‌گذارد.

برنامه‌ای که تادکان و مغازه هم امتداد داده شود به چه درد می‌خورد؟ به درد فرماندهی. شکل کنونی برنامه‌ریزی رابطه مستقیم و معکوس سیستم اداری-فرماندهی پریخت و پاش است. در قبال انجام برنامه، یعنی در قبال اجرای دستور مواجعی داده می‌شود که "میزان" آن را کمیته دولتی کار تعیین کرده است، جایزه و پاداش داده می‌شود، اما نه دستمزد.

برنامه دستوری را محترم می‌شمارند: می‌کشند قوانین بازی را رعایت کنند و کمبود پابر جا باشد و در آخر ماه هم میدان را در اختیار مغازه‌هایی می‌گذارند که از همده بر نیامده‌اند.

پس از اصلاحات پتر کبیر که نظام دولتی را بنیاد گذارد، از دولت چیزی گرفتند برای بسیاری از مردم-از رهیت گرفته تا فرماندار-دل و جرات می‌خواست. استالین که نظام دولتی کنونی را نه به شیوه مارکس، که به شیوه پتر بنا می‌کرد، همواره مردم را به ترددستی و زنگی وامی‌داشت. برآورده کردن خواست‌ها به حساب دیگران، خود به یک پیشه و فن تبدیل می‌شد. در اواخر حیات برژنف با هلم و تخصص هم کلاهبرداری می‌شد. برای دزدی هم مدیران متخصصی پیدا شدند که خزانه را خالی می‌کردند، طایفه‌هایی شکل گرفت که کشور را به قلمروهای نفوذ خود تقسیم می‌کردند.

لنین می‌گوید: "تجارت آن "حلقه" ای از زنجیره تاریخی رویدادها و اشکال گذار

آن است که در طول سالهای اخیر تعداد نامه‌هایی که از ایالت شهابه کمیته مرکزی ارسال می‌شود بیش از نامه‌هایی است که به خود کمیته ایالتی ارسال می‌شود؛ تنها ظرف ۱۱ ماه اخیر از سال جاری اختلاف تعداد نامه‌ها به این دو ارگان به رقمی معادل ۱۵۰۰ رسیده است. در طول همین ۱۱ ماه تعداد مراجعین مستقیم به دفتر کمیته مرکزی از ایالت شما بیش از تعداد آنها در تمام سال گذشته بوده است. و از هر ۷ نفر آنها هم یک نفر عضو حزب بوده است.

راجع به این موضوع فکر کنید. این خود نشانه‌ای جدی از نابسامانی است. باید به مردم نزدیک‌تر بود. والا نه مسایل خواروبار، نه مسکن، نه اکولوژی، و نه هیچ‌یک از مسایل دیگری را که امروز در مورد آنها صحبت شد، نمی‌توان حل کرد.

از اینجا است که باید قاطعانه با سخنرانانی موافقت نمود که روی تشدید سخت‌گیری تکیه کردند و آن هم نسبت به کسانی که کار مشخصی را پیش می‌برند، نسبت به مقامات مسئولی که وقتی انتقادی می‌خوانند و یا می‌شنوند مردمک چشمشان گشاد می‌شود اما وقتی که باید چشمشان را باز کنند و نابسامانی حیطه مسئولیت خود را ببینند، بی‌نایی‌شان را از دست می‌دهند. این هم مساله جدی و می‌خواهم بگویم بنیادین نوسازی است.

به همین خاطر هم سخنرانی خانم مارگاریتا پترونو را قابل تحسین می‌دانم. او در این باره صحبت کرد که اخلاق از شرایط اجتماعی، از محیط زندگی، از رفتار جامعه و از برخورد آن نسبت به گسترش دانش و فرهنگ، قابل تفکیک نیست. فکر می‌کنم که مسایل این هر صه به نقطه بحرانی خود نزدیک می‌شوند.

میدان اصلی کار حزبی همین جاست. بازسازی هم دستگاه حزبی و هم دولتی نیز متوجه همین هدف است. وقتی از تضادهای نوسازی صحبت می‌کنیم، وقتی از وظایف انجام نشده و آرزوهای برآورده نشده سخن می‌گوئیم، پس به عنوان اعضای حزب حاکم موظف هستیم که از خودمان بطلبیم، ما در برابر همه چیز پاسخگو هستیم. و به یکسان غیر اخلاقی و به لحاظ سیاسی اشتباه است اگر در توجیه ناکامی‌هایمان این و آن را وجه المصلحه قرار دهیم و پای جوانان یا روشنفکران، جراید، بورژوازی جهانی یا هوامفریبان سیاسی، و بالاخره هنرپیشگان آوازه طلب را به میان بکشیم.

تنها تحرک کمونیست‌ها و تنها پیشروی در راه نوسازی، دموکراتیزاسیون و دگرگونی‌های اجتماعی است که قادر است نقش پیش‌آهنگ حزب را تأمین کند. انتقاد و انتقاد از خود، واقع‌گرایی و ارزیابی هشیارانه، فروتنی و روگردانی از خود بزرگ بینی، خدمت صادقانه به خلق، خلق ما امروز بر اساس راستی و حقیقت و با معیارهای درستکاری و شرافت و وجدان، و بر اساس توانایی ما در شریک بودن در درد و اضطراب و آرزوهای مردم است که در مورد ما تضاد می‌کند. یقین دارم که حزب ما از این آزمون تاریخی که خود حزب آن را رقم زده است، سر بلند بیرون خواهد آمد. مطمئنم که سازمان حزبی پریم نیز با سرفرازی از این آزمون خواهد گذشت.

دروغ ناسازگاری سوسیالیسم و بازار را از آگاهی خود بزدائیم.

دولت از آنجا نمی‌تواند به طور هتلاایی بازرگانی کند که خود همیشه به حساب جامعه زندگی می‌کند. در همین حال دولت می‌تواند دادستان متمدن بازرگانی باشد، تنظیم‌کننده جریان‌های مالی، و کنترل‌کننده پرداخت بر حسب کار. خود دولت که نمی‌تواند پرداخت بر حسب کار را برقرار کند، چنین نگرانی اتوپی محض است. این کار تنها از همده بازار پیشرفته سوسیالیستی ساخته است. بدون بازار در آینده هم محدودیت‌ها، کمبودها، ممنوعیت‌ها، و بخشنامه‌هایی بر ما حاکم خواهند بود که دقیقاً پشتوانه ماشین ترمز هستند.

همینا اعتقاد دارم که موازین سه‌گانه زیر باید در جامعه به صورت قانون درآیند:

۱. مبادله هادی معادل‌های کاری، یعنی چیزی که تنها در بازار میسر است و چیزی که قادر است به‌طور واقعی به ریخت و پاش بی‌معنی پایان دهد.

۲. مبادله هادی اطلاعات، چیزی که تنها در شرایط دموکراسی و هلنیت میسر است. انحصار اطلاعات، مانع ایجاد کردن و محدود نمودن جریان‌های اطلاعاتی با دگم‌ها، و بالاخره باعث استبدادی این جریان‌ها سوسیالیسم را لاجرم به استالینسم می‌کشاند.

۳. سیستم هادی ارتباطات معکوس، چیزی که خودکامگی را با اولویت قانون منکوب می‌کند، تنها توانین هستند که می‌توانند جامعه را به‌طور عادلانه اداره نمایند.

نوسازی تضاد دیگری نیز دارد. این تضاد در آن است که ارتباطات معکوس که در تمامی سطوح و مدارج اداره زندگی جامعه ضروری است در بسیاری موارد از هم گسیخته شده و در بسیاری موارد هم اصلا وجود ندارد.

ضرورت بازسازی مناسبات سیاسی نیز از همین جاست. تاکنون بارها گفته شده است که راستای اصلی رفرم سیاسی عبارت است از دموکراتیزاسیون، هلنیت، قانونیت، و مسئولیت. مجموعه این‌ها هم یعنی خودگردانی سوسیالیستی خلق.

ما در حال حاضر بر لب مرزی ایستاده‌ایم که درواری آن زندگی نوین شوراهای آغاز می‌شود. اینجا سه مساله اهمیت ویژه و کلیدی خواهند داشت و آن هم عبارتند از: اهتمام‌توده‌ها، خصلت روابط روزمره با آنها، و امکانات و اقدامات عملی شوراهای.

ایالت شما در این زمینه از ظرفیت هتظیمی برخوردار است، اما این ظرفیت به درستی و با دلسوزی به کار گرفته نمی‌شود. شواهد بسیاری هم در دست است که این مدعا را تأیید می‌کند. مثلاً تعداد و چگونگی نامه‌هایی را که از ایالت شما به کمیته مرکزی ارسال می‌شود، در نظر بگیرید. ایالت پریم از شمار آن مناطقی است که به لحاظ کثرت مراجعات کتبی و شفاهی اهالی‌شان به کمیته مرکزی از دیگران متمایز هستند.

این فاکت هم جلب توجه می‌کند که اکثریت مطلق مراجعات کتبی و شفاهی اهالی پریم شامل در خواستها و شکایاتی است که می‌تواند و باید هم که در محل حل و فصل شوند. بدتر از همه هم

ساختمان سوسیالیسم در کشور ماست... که ما، یعنی قدرت دولتی پرولتری، ما یعنی حزب کمونیست رهبر، باید با تمام نیرو آن را به چنگ آوریم. اگر ما اکنون این حلقه را محکم در دست بگیریم، یقیناً در آینده نزدیک تمام زنجیر را در اختیار خواهیم داشت. در غیر این صورت قادر نخواهیم بود تمام زنجیر را بدست آوریم و موفق نخواهیم شد شالوده مناسبات اجتماعی اقتصادی سوسیالیستی را بنا کنیم.

تجارت در مفهوم وسیع آن، حلقه اصلی و برای امروز ضعیف‌ترین حلقه نوسازی است. در همین رابطه است که باید به متاستاز (کانون ثانوی بیماری) استالینسم، یعنی به روحیات بازارستیز اشاره کرد.

اگر در ارگان‌های سوخت و ساز صحیح صورت نمی‌گیرد، غذا چه فایده‌ای می‌تواند داشته باشد؟ در سیاست هم مثل شطرنج نباید بی‌حساب حرکت کرد. قبل از تولید، باید آموخت که محصول را چگونه می‌بایست عمل آورد، نگاهداری کرد، و به دست مصرف‌کننده رساند. آن هم بدون ضایعات. اما ما تاکنون در افسون تولید بوده‌ایم. تاکنون تقدیرنامه و پاداشی در قبال نگاهداری فرآورده‌ها اعطا نشده است. در حالی که به خاطر تولید میلیون‌ها نفر نشان گرفته‌اند. اگر چه هر کس می‌داند که محصول نه در خود مزرعه، که در سر سفره است که ارزش دارد...

پس از سال ۱۹۲۱ تکامل نظرات لنین هر روز در جهت پذیرش تدریجی این نکته پیش می‌رفت که سوسیالیسم جامعه‌ای است با تولید کالایی، بازار، رقابت، ارز، دموکراسی و نظایر آن. لنین در اثر خود "درباره تعاونی" چنین نوشت: "در آرزوهای تعاون‌گران کهن خیلی چیزها تخیلی بود. اکنون بسیاری عناصر تخیلی، حتی رمانتیک و حتی مبتذل از آرزوهای تعاون‌گران کهن به واقعیت محض تبدیل می‌شود."

چرا تعاونی؟ زیرا همانا تعاونی آن دستگاه مختصاتی است که در آن می‌توان منافع شخصی را با جمعی، منافع جمعی را با دولتی، و منافع دولتی را با اجتماعی به ثمر بخش‌ترین نحو سازگار و هماهنگ ساخت و سرانجام مساله اصلی را حل نمود. به یکسان سازی هلاکت بار خاتمه داد و به پرداخت بر حسب کار نایل آمد. بدون این امر ساختمان سوسیالیسم اتوپی است، بدون این امر جامعه و انسان از مالکیت و قدرت بیگانه هستند و لاجرم قدرت در می‌آیند و نه چیزی بیش از آن.

فعالیت کاری انسان‌ها همیشه سه‌گانه است: تولید - مبادله - توزیع. در همین حال حلقه "تولید - مبادله" از زمانی که شکارچی بدوی و ماهیگیر بدوی گوشت و ماهی را مبادله می‌کردند امری فراطبیعی بوده است.

توزیع امری تاریخی است. پرده خوراک دریافت می‌کرد، رهیت اقتصاد خود را داشت، و پرولتر مزدور بر حسب کارش دریافت می‌کرد، اما تنها به آن اندازه که باز تولید جسمانی او را تأمین کند. این بدیهیات درس عمومی اقتصاد سیاسی را برای آن یادآوری می‌کنم که بگویم: وقت آن است که یک بار و برای همیشه

هجدهمین کنگره حزب کمونیست ایتالیا

کنگره هجدهم کمونیست های ایتالیا از روز ۱۸ ماه مارس تا روز ۲۲ ماه مارس در رم برگزار می شود. در این کنگره یک سلسله مسایل اساسی سیاست حزب مورد بحث قرار خواهند گرفت. حزب کمونیست ایتالیا که ۱/۵ میلیون عضو دارد، اکنون با اختصاص ۲۶ درصد از آرای انتخابات در پارلمان ایتالیا و شوراهای محلی دومین فراکسیون بزرگ و قوی ترین نیروی اپوزیسیون را تشکیل می دهد. تأثیرات انقلاب هلمی - فنی در جامعه ایتالیا

پیروزی کارگران چاپ

در آلمان فدرال

اعتصاب گسترده ۲۰ هزار کارگر چاپ در آلمان فدرال در هفته گذشته با تحقق خواست های آنها پایان یافت. این اعتصاب در پی تصمیم صاحبان بنگاه های انتشاراتی و چاپ خانه های بزرگ مبنی بر کار در روزهای شنبه و یکشنبه آغاز شد و سریعاً کشور را فراگرفت. به دنبال مذاکرات سندیکای چاپ و کافه که اعتصاب را سازماندهی و رهبری می کرد با کارفرمایان، تنها روزنامه های روزهای یکشنبه و دوشنبه در روزهای شنبه و یکشنبه چاپ خواهند شد.

اتحادیه سندیکاهای آلمان پیروزی کارگران چاپ را پشتوانه محکم مبارزات کارگری برای سال های پس از ۱۹۹۲ می داند. در این سال مرزهای میان کشورهای عضو بازار مشترک اروپا برچیده خواهند شد.

پایان اعتصاب غذای رهبران

حزب کمونیست متحد ترکیه

نیهای سارگین و حیدر کوتلو، رهبران حزب کمونیست متحد ترکیه که از ۱۸ روز پیش در اعتصاب غذا سر می بردند، به اعتصاب خود پایان دادند. کوتلو و سارگین در پی بازگشت به ترکیه در ماه نوامبر سال گذشته در فرودگاه آنکارا دستگیر و زندانی گشتند. آنها در اعتراض به شکنجه در زندان های ترکیه از اول ماه مارس دست به اعتصاب غذا زدند.

ادامه اعتصاب غذای ۴۰ زندانی سیاه پوست در آفریقای جنوبی

ژوهانسبورگ اعلام کرد که چنانچه جان فعالین سندیکایی محبوس به خطر افتد، به اقدامات گسترده ای دست خواهد زد. پلیس آفریقای جنوبی اجازه دارد تحت شرایط "العاده" یک زندانی را بدون محاکمه به مدت نامحدودی در زندان نگاه دارد.

در سالهای اخیر مسایلی را در مقابل کمونیست های ایتالیا قرار داده است که در این کنگره در پاسخ به آنها سیاست های نوین و اشکال جدید مبارزه باید تدوین شوند. نظراتی پیرامون رفرم دستگاه دولتی و ارگانهای آن، درک حزب کمونیست ایتالیا از آینده کشور و اکثریتبانی آن، گسترش "دمکراسی در اقتصاد"، رابطه با احزاب سوسیال دمکرات و سوسیالیست و سیاست "فرمیسم نوین" از جمله مسایل محوری مورد بحث در کنگره حزب هستند.

آمریکا خروج بخشی از ناوهایش

را از خلیج فارس به تاخیر انداخت

بر اساس گزارش تلویزیون آن - بی - سی آمریکا، دولت بوش در نظر دارد چهار ناو آمریکایی را از خلیج فارس خارج نماید. در خلیج فارس اکنون ۲۴ کشتی جنگی آمریکایی در مرزهای ایران حضور دارند، از جمله رزم ناو وینسنس که در تیرماه سال گذشته یک هواپیمای مسافری ایران را هدف موشک قرار داد و سرنگون کرد. طی این عمل جنایتکارانه ۲۹۰ نفر کشته شدند. در هفته گذشته بمبی در اتومبیل ناخدای این رزم ناو در سان دیه گو آمریکا منفجر شد. دولت آمریکا با طرح این کسمه ایران در این سو اقص دست داشته است، خروج ناوهای مورد نظر را به تاخیر انداخته است.

سهمپوزیوم صلح میان اسرائیل

و سازمان آزادیبخش فلسطین

به ابتکار ماهنامه اسرائیلی "نیوآوت لوک" و روزنامه "الفجر" که در شرق اورشلیم منتشر می شود، اولین سهمپوزیوم صلح میان سازمان آزادیبخش فلسطین و شخصیت های برجسته اسرائیلی در نیویورک صورت گرفت. از جانب سازمان آزادیبخش فلسطین ۵ نفر از اعضای برجسته، از جمله نابیل شعت سفیر این سازمان در هلند، هفیف صغیه دبیر وزارت خارجه و لیبب تریزی نماینده سابق در سازمان ملل متحد به کنفرانس فرستاده شدند. از مناطق اشغالی یک گروه ۱۱ نفره در کنفرانس شرکت کردند. از جانب اسرائیل ۲۵ نفر از نمایندگان پارلمان، جنبش حقوق بشر، جنبش "صلح اکنون" و شخصیت های آکادمیک شرکت کردند.

دولت آمریکا از اطمینان ویزا به یاسر عرفات جهت شرکت در کنفرانس خودداری کرد. لازم به ذکر است که این کنفرانس همزمان با سفر آرنس، وزیر خارجه اسرائیل به نیویورک صورت می گیرد. دولت اسرائیل به دولت آمریکا پیرامون اطمینان ویزا به شرکت کنندگان فلسطینی اعتراض کرد.

اعتصاب غذای ۴۰ زندانی سیاه پوست که از چهار هفته پیش آغاز گشته بود، هم چنان ادامه دارد. بر اساس اظهارات وکلای مدافع آنها، خطر مرگ جان یک زندانی ۴ ساله را تهدید می کند. اعتصاب غذا در اعتراض به دستگیری و زندانی شدن بدون محاکمه آنها آغاز شده بود. اتحادیه سندیکایی "کوزاتو" در

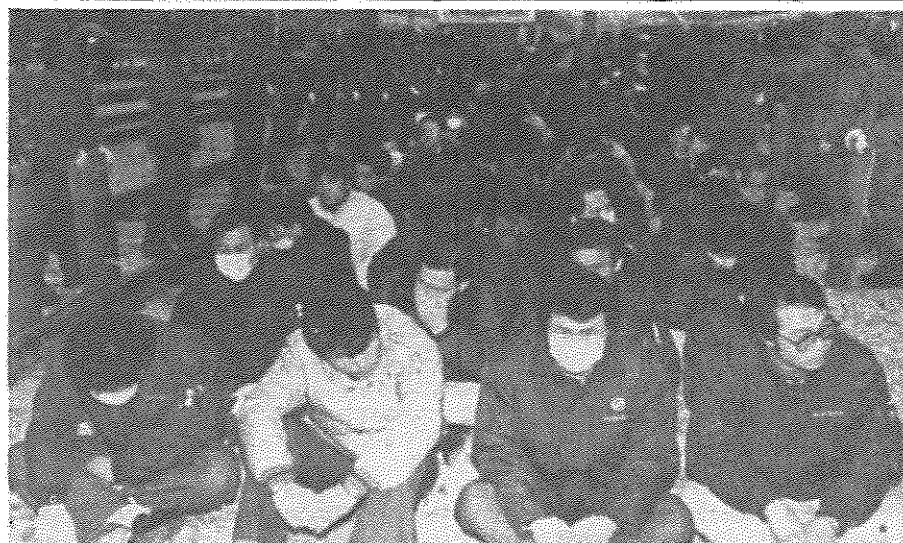
کره جنوبی: مانور مشترک

نظامی آمریکا و کره جنوبی

مانور مشترک سالانه آمریکا و کره جنوبی با وجود اعتراض گسترده در کره جنوبی برگزار می شود. این مانور هظیم ۹ روز تمام طول خواهد داشت و در آن ۲۰۰ هزار سرباز از هر دو کشور، از جمله ۶۰ هزار سرباز آمریکایی مستقر در هاوایی، کره جنوبی و قاره آمریکا شرکت خواهند داشت.

☆ ☆ ☆

در هفته گذشته کارگران متروی سئول برای برکناری مدیر شرکت مترو دست به اعتصاب زده، ایستگاه های مترو را اشغال کردند. هزاران پلیس مسلح برای تصاحب ایستگاه ها با کمک بولدوزر و گاز اشک آور به اعتصاب کنندگان حمله ور شدند، ۲۲۰۰ کارگر از جمله ۳۰ نفر از رهبران سندیکایی دستگیر گشتند.



کارگران اعتصابی متروی سئول

مسئولیت بیشتر در قبال سیر نوسازی

سخنرانی آ. یاکولف

عضو دفتر سیاسی، دبیر کمیته مرکزی ح. ک. ا. ش. در بیست و دومین کنفرانس حزبی ایالت پرم از جمهوری فدراتیوروسیه شوروی
۱۷ دسامبر ۱۹۸۸

رفقای کمونیست! با احساس خاصی سخن می‌گویم و هوای آن دارم که بگویم از مساله اصلی یعنی آن که شما در میدان نوسازی چه می‌کنید و چشم‌اندازهای پیش رویتان را چگونه می‌بینید، ارزیابی به دست بیاورم. به خصوص که بسیاری نشانه‌های تغییرات مثبت دارند کم‌کم روند رشد و تکامل را بازتاب می‌دهند. گزارش رفیق چرنیشف کار هادی و مشکلات، و برنامه‌ها و آرزوهای کمونیست‌های منطقه بزرگ شما را با جامعیت کافی نشان می‌دهد. بحث‌های خود کنفرانس هم به مرزهای اصلی فعالیت کمونیست‌ها که نتایج آن بسیاری اوقات رضایت بخش نیستند، پرتو می‌افکند. لذا ضرورتی ندارد که من آنچه را که گفته شده است تکرار کنم و یا به تفسیر آن بپردازم. تنها می‌توانم بگویم که گفت و شنودهای هلاقمندان‌ای که در کنفرانس شما جریان پیدا کرد فضای زنده و جوشانی را که بر کشور ما حکم فرماست به خوبی بازتاب می‌دهد.

در این شرایط ضرور می‌بینم در این مورد که نوسازی در مجموع چگونه حرکت می‌کند و سرچشمه‌ها و مولفه‌های اجتماعی اقتصادی آن در مهمترین ابعاد - مادی و معنوی - کدام‌اند، برخی فکرها را در میان بگذارم.

از آوریل سال ۱۹۸۵ ما در شرایط منحصربفردی زندگی و کار می‌کنیم و دست‌اندر کار انقلاب در تکامل هستیم.

امروز جامعه و حزب ما ایام خودکامگی و رکود را شدیداً مورد انتقاد قرار می‌دهند و به تلخی درمی‌یابیم که چه‌ها که نشده است. و روشن است که می‌توانستیم سریعتر قدم برداریم، پاک‌تر و شرافتمندانه‌تر زندگی کنیم و بهتر کار کنیم. آنچه به ما گذر نرسانده است فره بودن به خود و اطمینان به خطاناپذیری‌مان بوده است. تا-هنجاری‌هایی هم که زمانی روا داشته شد و سپس در بابت سیاسی و اقتصادی کشور و در روانشناسی و عادات مردم و در آگاهی و در دگم‌های علوم رشد نمود که به ما آسیب رسانده است.

پایه محافظه کارانه آگاهی شاید در تک‌تک ما هنوز هم با این فکر در تقابل قرار دارد که ما در عمل آن قدرها هم که مدت‌های مدید به نظرم می‌آمد و یا به ما تلقین می‌شد کمال یافته و بی‌عیب و نقص نیستیم. آسایش روحی و درونی پیشین ما تا همین امروز هم مانع آن می‌شود که برخی از ما اهداف و ابعاد نوسازی را به طور کامل ببینیم.

آخر درد ما در کجاست؟ چه چیزی ما را آزار می‌دهد؟ ما که بقیه در متحد

برگزاری پلنوم

کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی

از جمله اجاره، به‌کارگرفته خواهند شد. در ماه ژانویه ۱۹۸۹ مدیر مجتمع صنعتی - کشاورزی، مورخوفسکی در جلسه مشورتی کمیته مرکزی گفته بود: "احساس آتایی بر زمین باید در دهقانی که در خودگردانی واحد شرکت فعال دارد، ایجاد گردد." به دلیل اتخاذ سیاست اجبار به تمرکز و تعاونی در هرصه کشاورزی این "احساس مالکیت بر زمین و ملک" وجود نداشت.

پیرامون سوخوزها و کالخورها تصمیم‌های مهم دیگری از جمله دادن اختیارات وسیع به این واحدها، که تعداد آنها در اتحاد شوروی حدود ۶ هزار است، گرفته شد. تاکنون این واحدها حتی پیرامون سود حاصل از کار خود نیز اختیار تصمیم‌گیری نداشتند.

در پیشبرد سیاست مقابله با بوروکراتیسم مجتمع صنعتی - کشاورزی که به‌هنوان تنها ارگان مرکزی در هرصه اقتصادی تعیین سیاست می‌کرد و دارای اختیارات نامحدود بود، منحل و به‌جای آن کمیسیون‌های اختیارات هماهنگ‌کننده تعیین گردید.

بوریس یلتسین، عضو کمیته مرکزی که دو سال پیش از عضویت هیات سیاسی برکنارگشته بود، پیشنهادی مبنی بر اجازه فعالیت به احزاب مختلف سیاسی به پلنوم ارایه داد که با مخالفت پلنوم روبروگشت. از سوی دیگر مدودیف عضو هیئت سیاسی و دبیر کمیته مرکزی در مقابل مطبوعات اعلام داشت که این مساله در کمیسیون جنب کمیته مرکزی مورد بررسی قرار گرفته، نتایج آن به پلنوم بعدی ارائه خواهد شد.

پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی در روزهای چهارشنبه و پنج‌شنبه هفته گذشته برگزار گردید. انتخاب صد نماینده حزب برای کنفرانس نمایندگان خلق (پارلمان اتحاد شوروی) و تعیین سیاست نوین در اقتصاد کشاورزی در دستور کار پلنوم قرار داشت.

میخائیل گارباچف چهار محور را برای تدوین سیاست نوین کشاورزی در مقابل پلنوم قرار داد: - تدوین و کاربرد روش‌های نوین اقتصادی

- کاربرد گسترده شیوه‌ها و امکانات فنی

- بهبود شرایط اجتماعی در روستاها

- بهبود روش‌های برداشت، ذخیره و حمل و نقل محصولات کشاورزی

اساس اقتصاد کشاورزی در اتحاد شوروی هم‌چنان سوخوزها (واحدهای متمرکز دولتی) و کالخورها (واحدهای متمرکز تعاونی) خواهند بود.

پلنوم بر این نظر تاکید کرد و مخالفت خود را با برخی نظرات موجود پیرامون خصوصی کردن واحدهای کشاورزی اعلام داشت.

تحولات قاطع در چارچوب نظام موجود کشاورزی باید در جهت

بهبود تامین مواد غذایی به‌کار گرفته شوند. افزایش مصرف سرانه

گوشت از ۶۵ کیلو به ۸۰ کیلو در سال و افزایش ۵۰ درصد تولید

مواد غذایی به‌هنوان هدف مورد نظر تا سال ۱۹۹۶ اعلام

گردید.

از تصمیم‌های مهم پلنوم طرح مجدد شعار انقلاب اکتبر "زمین به دهقانان!" بود. بر این اساس

اشکال مختلف مالکیت بر زمین،

| | |
|---|--|
| <p>AKSARIYAT NO. 250 MONDAY, 20 MAR 1989</p> | <p>آدرس: Address: RUZBEH POSTFACH 1810 5100 AACHEN W. GERMANY</p> |
| <p>حساب بانکی: AUSTRIA - WIEN BAWAG IBANK FÜR ARBEIT UND WIRTSCHAFT NR. 02910701_650 DR. GERTRAUD ARTNER</p> | <p>با جمع آوری کمک مالی فدائیان خلق را در انجام وظایف انقلابی یاری دهید</p> |

توضیح

به مناسبت فرارسیدن سال نو نشریه اکثریت به روال هر ساله یک هفته تعطیل خواهد بود. بدین قرار نشریه هفته آینده منتشر نخواهد شد. تاریخ انتشار شماره ۲۵۱ اکثریت روز دوشنبه ۱۴ فروردین است.

تاریخ سال: روز دوشنبه ۲۹ اسفند ۱۳۶۷
ساعت ۱۸ و ۵۷ دقیقه و ۵۸ ثانیه
مطابق با
۲۰ مارس ۱۹۸۹ میلادی